

بنده اقدامات مخالفی که موافق صلاح و صواب مملکت است شروع شود موجب اعتراض و مباحثه آن ذوات محترم واقع نگردد زیرا امروز تمام ذوات برای استیقای حق خود به صدا در آمده طبرستان و طبرستانی هم نباید از این حق که متضمن انتظام داخلی و آسایش عمومی است بی نصیب بماند ولی نه از روی... و دقت و بی غرضی و صلاح اندیشی نه از روی هوای نفس و بی ترتیبی که مآلاً اسباب پشیمانی فراهم شود. بالجمله مطلب در ایرادات وصول تلگراف چند روز قبل به مازندران با امضاء هیأت طبرستان که پس از تحقیق از افراد و اعضای آن هیأت و احضار هیأت غیر متناسب بی ربط دور از طبرستانی انتخاباتی را کاملاً مکشوف و مبرهن می کرد، نهایت اسباب تأسف و تألم گردید.

خوب آقایان عزیز شما اگر تشکیل هیأت طبرستانی را داده اید و به امضاء هیأت بدو به طبرستانی های مرکز تلگراف می فرمائید دیگر این که مسیر سیاست خودتان را تغییر داده و یک مشت اجانب را طرف مذاکره قرار می دهید چه چیز است؟ در تهران یک نفر مازندرانی نبود که شما طرف مراجعه خودتان قرار بدهید که یک مشت مردمان خارج از طبرستان و منافع امور طبرستانی را در نظر گرفته به تلگرافخانه خواسته آنها را لایق امور خودتان قرار و مخایرات خصوصی فرمودید. باز هم غفلت دارید و دور از حقایق هستید هنوز اقدامات و عملیات و مصائب و پیشامدهای این مدت مجرتان نکرده و به افرادتان نشان نداده است که خارجی برای طبرستان و طبرستانی کار نخواهد کرد باز ملتفت نشده اید که این آقایان دستشان از همه جا کوتاه شده و چون مازندران را از هر کس ساده تر دیده اند به آنجا شتافته و می خواهند به وسیله شما مقاصد شخصی خودشان را به عمل آورند یک عده اشخاص را که قبلاً در مرکز در نظر گرفته اند و قول و قرارهایی داده اند و طرف مذاکره خود قرار داده استفاده هائی کرده پس از اجراء مقصود نه دیگر طبرستان را خواهند شناخت و نه طبرستانی را آخر تاکی تا چند غفلت ما در مرکز به انتظار نشستیم که شماها یک هیأت صالح خیرخواهی را در آنجا تعیین و به مرکز اطلاع داده ما هم با یک نظریات واحدی که طرف تصدیق آن ذوات محترم... طرف اطمینان و به عبارت مرتب و تطلق های آتشین هر فردی اهمیت داده فریب خورده خودتان را آلت قرار داده و هیچ فکر نکردید که چه باعث شده است که شیرازی به مخالفت و فداکاری طبرستانی وارد شده و مصداق:

سر خود دوا نمودی

کل اگر طیب بودی

را رعایت نموده اگر شما هم خودتان را صالح نمی دانستید مگر در تمام مازندران یک نفر دیگر نبود که شخصیت و افراد داشته امور مملکت خویش را به دست گرفته با شماها کار بکند که خارجی را به خود راه داده و استقبال از اقدامات و عملیات و مذاکرات

مشعشعانه دیگران نموده و خود را آلت دست و مقهور این و آن که نمایندۀ چه اشخاصی هستند و از مرکز با چه دستور و عمل و مقاصدی آمده و چه کسی آنها را مأمور کرده که اگر بخواهم بنویسم باید یک کتاب شرح داده بر خجالت شما افزوده شود قرار داد و آن وقت خصوصی به واسطه تلگراف حضوری و احضار آن اشخاص دیگر که در مرکز هستند و حقیقتاً بیانش شرم آور است تمام طبرستانیها را... و خودتان را این اندازه کوچک و بی قابلیت معرفی نمایند افسوس هزار افسوس از عرایض من دلننگ نشوید پاره ای مسائل و حقایق دارم و [ناچار] به این حقیقت گویا می کند بالاخره لازم است آن ذوات محترم که خودتان را در مازندران به شخصیت معرفی کرده اید به سؤالهای بنده که از طرف یک هیأتی مأمورم و ذیلاً عرض می شود عطف توجهی فرموده و هر قدر زودتر جواب لطف فرمائید که تکلیف طبرستانی های مرکز هم معین شود.

۱- علت این که طبرستانی برای طبرستان می خواهد اقداماتی که مورد صلاح و صواب باشد به عمل آورده خارجی را به خود راه داده و این طور خود را مقهور و مرعوب می نماید چه چیز است؟

۲- فلسفه این که هیأتی که به نام هیأت طبرستان در آنجا منعقد شده راجع به مراجعات... یک عده کثیر از اهل طبرستان که از هر طبقه هم هستند و در صورت ملاحظه ممکن بود که به نظر خودتان هر کسی را که طرف اطمینان می دانستند انتخاب نمایند و بر عکس آن هیأت غیر صالحی که امروزه طرف تنقید خاص و عام شده و در هر محلی ضرب المثل است انتخاب کرده و این ترجیح بلا مرجع که بیگانه را بر خودی تفوق داده از چه نقطه نظر بوده است.

۳- شما ۵ نفر ذوات محترم که تمام توجهات افراد طبرستانی های مرکز به شماها است در صورتی که واقعاً می خواهید از روی بی غرضی برای طبرستان خودتان کار کنید و مقاصد منفعت پرستانه را کنار گذارده اید چرا متفقاً با یک نظیر واحدی در مقام تشکیل هیأت طبرستان بر نیامده و چند نفر صالحی را هم انتخاب نکرده و ضمیمه خود نموده اید که با مختصر اشاره مرکز هم تماس با آن ذوات محترم گردد یا موافقت نظر شما هم تشکیل هیأت طرف اطمینان داده ابواب مذاکرات و مکاتبات لازمه نیز به نظریات واحدی در آتیه به اصلاح ممکنه است باری از دوش ها بر داشته خاتمه به این بدبختی ها داده شود.

این سؤالات و به نظر بنده ای کاش طبرستانی ها قدر سیاست و حفظ هموطنی در ذات قومیت را از آذربایجانی ها یاد می گرفتند و آنها را سرمشق خود قرار می دادند که در آذربایجان یک نفر غیر از خودشان در امور داخلی مملکتی ایشان راه نداده و در مواقع لازمه

مهم جزء آذربایجانی های مرکز هیچ کس طرف مذاکره و مراجعه شان واقع نمی شود حتی اگر در غیر زمره آذربایجانی را صالح می دانند مراجعه خودشان را به آنها هم باز به وسیله آذربایجانی قرار می دهند که از هر جهت رضایت قومیت و تمصب حفظ روابط به یک جهتی به صلح آمده شود و همین اتفاق معلول این عقیده است که پشتها را می لرزاند و مقتضاً بدانید که اگر تلگرافات حضوری به طبرستانی های مرکز شده بود آن وقت می دانستید امروز چه امکانات و عملیات داشت و عملیات و انتشاراتی در مرکز داشتند و نتایج بزرگی بدست می آمد افسوس که همیشه اشتباه و خلط کرده و خود را دچار گرفتاری هائی نموده ایم و باز هم پشیمان نمی شویم ولی واردین عزیز شما ممکن است... را هم دست زده باشند و اگر هم زده اند البته شروع خواهد شد و دعوت خواهند کرد و نسبت به مخالفت با مرکز و اظهارات و تقاضاهای دیگر هم که باز نمی توانم کتیباً عرض کنم که این روزها تفوق آن جز به باد دادن مملکت و خرابی آن [و] تکلیف بیچارگی های تازه نخواهد داشت ولی از شما ذوات محترم خیلی بعید است که خودتان را این طور آلت قرار دهید در هر صورت این است مطالب معروضه که منتظریم به فوریت متفقاً تبادل افکار خود را نموده و جواب مشروح را مقرر دارید در خاتمه نظر آقایان محترم را هم به نام مجمع طبرستان که در مرکز تشکیل شده و در موقع انتخاب رعایت حفظ روابط و مجالس و ملاحظه پیشرفت کار و عدم اجرای اغراض شخصی کاملاً شده و علاوه بر این که افراد جمع شده اشخاص صالحی هستند رعایت نظریات آن ذوات محترم هم ملحوظ شده است این است که اگر واقع میل دارید که برای طبرستان و طبرستانی کاری بشود و از نغماتی را که در اینجا نسبت به مخالفت مرکز و هزاران چیزهای دیگر معاندین برای پیشرفت مقاصد خود انتشار می دهند جلوگیری شود لازم است به فوریت هیأت محترم طبرستان را که تشکیل داده اید اصلاح به یک عده متجانس متناسب بی غرض که مقبولیت عامه هم تا حدی داشته باشد انتخاب و از مقصود اصلی خودتان و از خط مشی و عقاید و نقشه عملیات و طرز رفتار به طور دقیق این بنده را هم مستحضر فرمایند که با تفهم به این ادراک مقصود و مقصد متفقاً با یک نظر واحدی دست به کار برده و هو الله تعالی مقتضی المرام و نسبت به آتیه درخشان وطن عزیز خودمان همه قسم موفقیت ها را حاصل و به خواست خداوند و با کمال خوشبختی سعادت هائی را به برگیریم انشاء الله تعالی اگر چنانچه نسبت به این معروضات مخالفتی دارید و با این نظریات خیر خواهانه موافقت نمی فرمائید آن را هم مرقوم دارید تا طبرستانی های مرکز هم به تکلیف خودشان عمل نمایند و عمل هم خواهند کرد فقط انتظارشان وصول جواب این مشروح است زیرا دیگر بیش از این تاب مقاومت نیست و نمی شود با این انتظارات دروفی

اسناد امیرمؤید سوادکوهی ۱۸۳

سعادت مملکت را از دست داده و با بدبختی‌های سابق ساخت و سوخت، ایام خوب و جلالت مستدام باد.

امضاء و مهر توذری

(۱۹۴)

سواد تلگراف فتح‌الله‌خان سپهدار اعظم^۱ به ارشدالسلطان^۲

نمره ۱۰۲۹۱۵

لژ تهران به ساری

مورخه ۱۱ برج جدی ۱۳۳۶

فیروزکوه

جناب ارشدالسلطان

از قرار وصول خبر گویا سهم‌الممالک پسر جناب امیرمؤید با پنجاه سوار به طرف کجور^۳ به حمایت سالار فاتح^۴ رفته است به فوریت از طرف اینجانب به آقای امیرمؤید اطلاع بدهید که سهم‌الممالک را زود احضار کنند و خود را آلوده این معرکه قرار ندهند و کماکان به حال بی طرفی باقی ماندن نتایج خیلی مطلوبی را دارد و جواب را خیلی زود اطلاع بدهید برونج کرده خیلی خوب هم با کرایه نهایت زودتر بفرستید.

فتح‌الله سپهدار اعظم

محل مهر تلگرافخانه فیروزکوه

(۱۹۵)

سواد تلگراف سپهدار اعظم به ارشدالسلطان

نمره ۱۰۸۰۲۰

لژ تهران به فیروزکوه

مورخه ۱۸ جدی ۱۳۳۶

جناب ارشدالسلطان

هفته قبل تلگرافی به شما نمودم چون تاکنون جوابی نرسید مجدداً اظهار می‌نمایم نظر

۱. فتح‌الله‌خان سردار مصور سپهدار اعظم رشتی وزیر جنگ وقت. نامبرده در حوادث مشروطه از آشوبگران بود و به همین مناسبت به مازندران تبعید شد. بعدها بارها به وادارت و قبل از کردنای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ ش و پس از استعفای مشیرالدوله، دولت محلل را تشکیل داد و از اولین اشخاصی بود که به کودتاگران تبریک گفت.

۲. پسر عموی امیرمؤید باوند سوادکوهی و پسر مرادخان.

۳. یکی از مجال ثلاثه تنکابن (نور، کجور و کلارستان). ۴. علی دیوسالار (سالار فاتح) ریاست اردوی برف.

بر خبری که می‌رسد جناب آقای امیرمؤید، سهم الممالک پسر خودشان را با عده‌ای سوار به کمک سردار اقتدار^۱ و سالار فاتح به کجور فرستاده است نظر به مراتب دوستی که با ایشان دارم صلاح نمی‌دانم ایشان در این موقع از بی طرفی خارج شده و با عده سوار به کمک سردار اقتدار و سالار فاتح بروند و داخل این قضیه که در حقیقت یک نزاع واضح خانوادگی است بشوند شما به فوریت این تلگراف را به آقای امیرمؤید برسانید که آدم مخصوص بفرستد سهم الممالک را عودت بدهند والا مسئولیت و مضرات این اقدامات عاید خودشان می‌شود. زود بگوئید که منتظرم.

فتح‌الله سپه‌دار اعظم

محل مهر تلگرافخانه فیروزکوه

(۱۹۶)

سواد تلگراف محترم السلطنه به امیرمؤید

۲۸ ربیع الاول ۱۳۳۶

جناب مستطاب اجل آقای امیرمؤید دام اقباله

فدایت شوم، در ضمن استعلام از صحتمندی مزاج بهاج عالی زحمت می‌دهد مقرب خاقان عبدالله‌خان که برای ضبط و ربط خالصجات ساری مأموریت دارد چون بستگی و ارتباطی به مخلص دارد مخصوصاً توصیه او را خدمت جنابعالی نموده که در پیشرفت مأموریت جنابعالی هر نوع همراهی و مساعدت به مأموریت مشارالیه را فرموده و او را از خودتان دانسته و در هر موقع و مقام کمال التفات و توجه را نسبت به مشارالیه بفرمائید و موجب مزید امتنان خواهد بود همه وقت مؤده سلامت حالات و خیریت علامات را منتظرم. ایام به کام باد.

محترم السلطنه

(۱۹۷)

سواد نامه شاهزاده ناصوالدین میرزا ناصری^۱ به امیر مؤید

نمره ۲۱۱۸

۲ شهریور ۱۳۳۶

جناب مستطاب اجل آقای امیر مؤید

سابق بر این اغلب اوقات جناب آقای سهم الممالک مزده سلامت و استقامت جنابعالی را نوشته و خوشوقت می‌داشت چندی که مشارالیه این شیوه مرضیه را متروک و به کلی از احوال جنابعالی بی اطلاع گذاشته و در هر حال امیدوارم انشاءالله مزاج شریف در نهایت استقامت بوده ملالی نداشته باشید و منتظرم که به زودی از نوید سلامت و عافیت خودتان مسرورم دارید و البته از جناب آقای سهم الممالک هم احوالپرسی کرده تأکید خواهید نمود که سبک قدیمی را ترک نکرده و از سلامتی جنابعالی و خودشان دو کلمه بنویسید. ایام به کام باد.

ناصرالدین

(۱۹۸)

سواد تلگراف علی دیوسالار (سالار فاتح) به امیر مؤید

لذخرم آباد به بار فروش

مورخه ۲۹ برج جدی ۱۳۳۶

تیلان بیل

حضور محترم حضرت مستطاب اجل آقای امیر مؤید روحی فدا، از تأییدات خداوند و مراحم می‌ذوله حضرت اجل آقای سهم الممالک و سایر آقایان محترمین چهارشنبه دوم شهر جاری وارد خرم آباد شده و تمام همراهان در کمال سلامت. جواب از قاصد مخصوص فرهن می‌شود.

علی دیوسالار

محل مهر تلگرافخانه

(۱۹۹)

سواد پاسخ تلگراف امیر مؤید توسط مستوفی الممالک

از تهران به ساری

جناب مستطاب اجل آقای امیر مؤید دام اقباله

نمره ۲۶۴ وجه حواله است جواب نمره ۱۴۰

تلگراف تبریک و تهنیت و اظهار مخالفت جنابعالی توسط جناب ملاذالانام آقای شیخ ابراهیم زنجانی موجب کمال امتنان و مسرت خاطر گردید و از خداوند توفیق خود را به خدمات دولت و اصلاح امور مملکت درخواست می نماید.

۲۰ ربیع الثانی

(نمره) ۸۲۹۱

حسن ابن یوسف

محل مهر تلگرافخانه

(۲۰۰)

سواد عریضه گروهی از فرماندهان قشون مازندران

به مرحمت حضرت مستطاب اجل اشرف آقای سپهدار اعظم وزیر جنگ دامت شوکتی مقام منیع حضرت اشرف اعظم بندگان آقای رئیس الوزراء دامت عظمتی چون اداره قشونی مازندران هم بر حسب تصویب هیأت محترم دولت به حکومت جلیله تفویض گردیده است لذا از بابت محلی قشونی متحدالمال ابلاخی صادر فرموده اند که محلی افواج و سواره بایستی تحویل و تسلیم صندوق اداره مالیه شود که در آتیه به مصرف تشکیلاتی که داده خواهد شد برسد لیکن ررقه متحدالمال وقتی به سوادکوه رسید که مطابق سنوات قبل معمولاً محلی فوج به صاحب منصبان جزء و افراد سرباز پرداخته شده بود و در ثانی جمع آوری مواجب محلی از افراد صاحب منصب و سربازان خالی از اشکال نیست از آن مقام مقدس استدعا داریم که به حکومت جلیله مازندران امر فرمایند که با فوج سوادکوه به طور مدارا رفتار فرموده، هذه السنه اخطار تصور فرمایند، سنه آتیه مقاد ررقه متحدالمال را به موقع اجراء گذاشته محل فوج مزبور را تسلیم صندوق اداره مالیه می نمایم این فدویان نظر به خدمات دیرینه از آن مقام مقدس بذل این توجه را استدعا داریم.

امیر مؤید، سهم الممالک، سیف الله خان سرتیپ، عبدالرحیم خان، به ضمیمه مهرهای دیگر

(۲۰۱)

سواد تلگراف تظلم علما و خوانین و... ساری علیه انتخابات دوره چهارم

مورخه ۱۷ دلو ۱۳۳۶

از ساری به تهران

نمره ۱۷۵

توسط حضرت حجة الاسلام آقای آقاضیاءالدین مجتهد نوری^۱ دامت برکاته،
مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته کبیه آقای جمالالدین مجتهد^۲، کبیه آقای
امام جمعه خوئی^۳، کبیه آقای مدرس^۴، کبیه حاج آقای شیرازی^۵، کبیه آقای آقاعلی
نجم آبادی^۶، کبیه آقای مستعانالملک^۷، کبیه وطن^۸،

در این موقع که صوم طبقات در امنترین مکان تلگرافخانه برای جلوگیری از محو حقوق
ملت به اثبات حق حاکمیت با یک قلب مملو از اطمینان به مراحم دولت قوی شوکت حضور
بهم رسانیده لزوماً در تعقیب حرایض متظلمانه خود ناچار به تقدیم این عرض حال شده البته
تصدیق می فرمایند که منظور از تأمین دولت مشروطه و برقراری حکومت جامعه ملی که
عبارت از منتخبین او است فقط برای وضع وسط قانون و نشر عدالت در اجرای مساوات
هست و تا حقوق افراد ناشی از تجاوزات حق شکنانه اشخاص محفوظ باشد متأسفانه اهالی
ساری از این حق مشروع با روح ملیت از اثرات مستقیم عملیات به امور انتخابات سرکشیک
زاده^۹ و چند نفر بنکداران مظالم بشریت استفاده کرده قانون اساسی زیربای، آزادی عمومی
سلب، نامه های مظلومانه بی اثر شده و از بین می رود به ایالت جلیله هم شکایت کثیره شده
جواب فرموده اند امر انتخابات دولت به مأمور مخصوص تفویض شده مداخله نخواهد
نمود مأمور مزبور هم با کمال آزادی حق انتخاباتی که به تمام نفوس ممالک قانونی دنیا به
مساوات وضع شده از سیصد هزار نفر نفوس حوزه های ساری سلب نموده و سوزانیدن
اوراق آراء بدون رسیدگی و وجود شکایت مخالف ماده ۴۴/۴۵/۴۶/۴۷) تقاضای انفصال
حکام جزء از مقامات حکومت بدون هیچ تفصیر و خلاف.

۴- تعیین انجمن نظار از اشخاص نالایق و افراد فاسدالعقیده به عنوان حکومت اشرف و

۱. حاج آقا ضیاءالدین نوری فرزند حاج شیخ فضل الله نوری.

۲. حاج آقا جمال اصفهانی نجفی برادر حاج آقا نورالله و حاج شیخ تقی اصفهانی نجفی معروف به آقا نجفی.

۳. حاج آقا یحیی امام جمعه خویی نماینده چندین دوره مجلس شورای ملی.

۴. شهید سید حسن مدرس.

۵. حاج آقا مجتهد شیرازی نماینده دوره سوم از شیراز و چهارم از قزوین.

۶. از علمای تهران و فرزند میرزا هادی نجم آبادی.

۷. مستعان الملک.

۸. روزنامه وطن.

۹. سرکشیک زاده (اتحاد).

چهار دانگه و غیره برای اجرای دسیه که به اعلاء درجه وضوح است و اشخاص بی سواد به دلیل و مخالف ماده ۶/۷/۸/۹/۱۰/۱۱ از قانون انتخابات است.

۵- تبعیض در قسمت حوزه‌های انتخابیه و محروم ساختن حوزه دیگر و بی اعتنائی به تظلمات منتخب کنندگان به شهادت دوسیه انتخابات و سایر ادارات.

۶- مأمور اطراف را دستور داده که به هر کدخدای و مباشر حوزه‌های مزبور، سی الی پنجاه نفر تعرفه به عدد جمعیت با ورقه رأی تحویل نموده و تعرفه‌ها را باطل کرده آراء را اخذ و به صندوق انتخابات ریخته مخالف ماده ۲۶ از قانون انتخابات است.

۷- موقع قرائت آراء یک عده از طرفداران خود خارج از نظار به خلاف ماده ۳۱ از قانون مزبور در شمارش و مداخله در باز نمودن اوراق مملو از دسیسه و یک مقدار از آن اوراق به وسیله همان اشخاص از خارج، داخل نمودن.

۸- نسبت به اوراق قرائت شده دوسه دفتر موافق ماده ۳۲ قانون انتخابات به یک دفتر هم آن با تصرفات غیر منصفانه.

۹- در موقع قرائت آراء با حضور حاضرین در ثبت اسامی تقلبات علنی شده مشاهده شد که اشخاص بر خلاف می نویسند.

۱۰- تعیین اشخاص غیر معروف در محل و فاسد العقیده مشهور مخالف صریح فقره ۱ و ۲ از ماده ۶ قانون مزبور است.

۱۱- اصول انجام این انتخابات مبنی بر تهدید و تهدیدات مطابق ماده ۲۷ از درجه اعتبار ساقط و مرتکبین لازم التعقیب خواهند بود نظر به مراتب مزبوره با ادله مستندات کافیه دعاگویان را حق می دهد که از مقام رأفت و حق گزاری آن دولت علیه مأمور بی غرض از عناصر آزادی خواه با موافقت ریاست جلیله برای تحقیق و رسیدگی و تجدید انتخابات ساری بنماید. چنان که ما باید برای ابدی بمیرانیم یا در سایه عنایات و احساسات علمیه عدالت پرور شخص اول مملکت حقوق خیراتی را تأمین نمائیم یا اعلام فرمائید اهالی ساری سلب الحقوق قانونی و معدوم الوجود حیاتی هستند که پس از چندین سال کرور و خسارت ملیتی و مملکتی و ریختن خون چندین هزار جوانان بی گناه ثمرات عدالت و مساوات حریت را بدانیم.

نمایندگان عموم طبقات، داعی علی اکبر ساروی، داعی ثقه الاسلام، داعی صادق الحینی، داعی شریف العلماء، داعی سید میرزا علی، داعی علی ابن اسدالله، داعی احقر حسن الحینی، صدر العلماء،

وثوق العلماء معین الشریعه، سلطان الذاکرین، سردار اقتدار، اشجع الملک، امیر حرم^۱، عظیم الملک^۲،
محسن میرزا^۳، امضاء عده کثیری از معارفین و متجددین الی آخر.
محل مهر تلگرافخانه مازندران ساری

(۲۰۲)

سواد تلگراف وثوق الدوله رئیس الوزراء به امیر مؤید

۲۳ دلو ۱۳۳۶

از تهران به ساری

جناب مستطاب اجل آقای امیر مؤید دام اقباله

به موجب تلگرافات و اخباری که در این دوسه روزه از مجاری مختلف رسیده از طرف
کسان جنابعالی چندی قبل عده‌ای به نوکندگاه ملک آقای سردار جلیل رفته و چند رأس
اسب و اتاقیه خانه مباشر آنجا را غارت کرده‌اند و اخیراً هم جمعیتی از سواره و پیاده به محل
مزبور فرستاده‌اند و انبارهای شلتوک را شکسته قریب سه هزار خروار شلتوک متعلق به
سردار جلیل را مشغول تفریط کردن هستند البته می‌دانید این قبیل اقدامات که منتهی است
باعث بی‌نظمی و سلب امنیت و آسایش محلی می‌شود و به کلی بر خلاف انتظار اولیاء
دولت است بر فرض این که از طرف سردار جلیل بی‌اعتدالی و تعدی به رعایا شده باشد،
مداخله جنابعالی بدون اجازه دولت بر خلاف وظیفه و تکلیف بوده و بایستی اشخاصی که
مورد تعدی واقع شده‌اند به حکومت جلیله... و مضایقه از طرف حکومت بشود...

عدم مراجعت به حکومت و مرکز و سوار... فرستادن و غارت کردن به منزله خودسری و
اجرای خیالات و امراض شخصی است اگر این اقدامات ادامه داشته باشد از مثل جنابعالی
که خودتان را به تعقل و سلامت روی و خدمتگزار دولت معرفی کرده‌اید به هیچ وجه
پسندیده نیست و ضمن اطلاعات واصله و نوشتجات و تلگرافی که از شما ملاحظه کرده‌ام
مسئله تعدیات سردار جلیل به رعایا و اجتماع آنها اظهار می‌شود. البته تصدیق می‌کنید و
حمایت و طرف آنها اگر مورد تعدی واقع شده باشند وظیفه حکومت محل است اشخاص
دیگر بدون جهت به دولت حق مداخله در این قبیل امور ندارند نظر به این که مکرر به
جنابعالی نوشته‌ام در امور راجعه به شما جز مساعدت و همراهی نظری ندارم و خیر صلاح

شما را همه وقت طالب بوده و هستم صریحاً می نویسم که این گونه اقدامات [را] به هیچ وجه مقتضی ندانسته و تحمل نخواهم کرد. لازم می دانم به وصول این تلگراف به فوریت قدغن کنید کسان جنابعالی از ملک و علاقه سردار جلیل و طرفیت با کسان او دست برداشته و اگر جمعیتی دارید فوری متفرق نمائید تا مطابق تعلیماتی که به حکومت جلیله داده‌ام در این مسائل رسیدگی و قرار مقتضی داده شود و اگر این رویه و ترتیب دوام کند و اشکالاتی فراهم بشود باید بدانید که من در همراهی با شما قصور نکرده و اگر اقدامات شما موجب تغییر عقیده من بود منافی با وعده‌هایی که در مساعدت با شما داده‌ام نخواهد بود.

۲۲ دلو نمره ۴۲۸۹

وثوق الدوله ریاست وزراء

محل مهر تلگرافخانه مازندران ساری.

(۲۰۳)

سواد تلگراف امیر مؤید به جمعی از علما و رجال مازندران مقیم تهران و...

نشان شیر و خورشید و تاج

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

سند ۱۳۳۶

نمره کتاب

لزساری	نمره قبض ۵۴۵۶	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات تاریخ وصول اسم گیرنده
به [تهران]	نمره تلگراف ۲۸۵	۸۲۳	شبه ۲۹	شبه ۲۹ دلو

توسط جناب اجل آقای شریعت زاده؛ خدمت جنابان مستطابان حجج الاسلام: آقای آقامسید کمال‌الدین^۱؛ آقای مدرس؛ آقای طباطبائی^۲؛ آقای حاجی آقای شیرازی؛ آقای آقا ضیاء‌الدین؛ آقای حاجی شیخ محمد حسین استرآبادی؛ آقای میرزا محمد طاهر تنکابنی؛ کپیه به توجه جناب اجل عالی آقای متعان‌الملک خدمت جنابان مستطابان اجل اکرم آقای سردار معتمد گیلانی^۳؛ آقای نظام‌السلطان؛ آقای نصیرالسلطنه^۴؛ آقای سردار مقتدر؛ آقای حاجی ملک ایللی و عموم آقایان مازندرانی کپیه مدیر محترم جریده رعد^۵

البته متحضرید که فدائی دولت و مملکت تمام دوره زندگانی خود را به مملکت و ملت

۱. سید کمال‌الدین بهبهانی. برادر سید عبدالله بهبهانی. ۲. سید محمد صادق طباطبائی.

۳. برادرزاده سردار منصور شهیدار رشتی. ۴. پسر معتمد السلطنه نوری اسفندیاری.

۵. روزنامه رعد سید ضیاء‌الدین طباطبائی

دوستی؛ از اجنبی و منفعت پرستی اجتناب داشته؛ چنانچه در این دوره مشروطیت عقاید خود را به اعلا درجه وضوح ثابت و روشن کرده که هیچ مقصودی غیر از ازدیاد عظمت و فدویت دولت شاهنشاهی و تأمین سعادت مملکت و عامه ملت منظوری نداشته و بقضل الله تعالی قدمی بر خلاف قوانین مملکت و منافع ملت بر نداشته تا مغرضین من نتوانند دامن پاک مرا آلوده و لکه دار نمایند. چه ملت است که عرایض خیرخواهانه و فداکاران دولت و مملکت را اولیای امور با سعادت به سوء تفاهم تعبیر می فرمایند؟ معلوم نیست در بدو تعیین حضرت اقدس والا شاهزاده اعتضادالسلطنه به حکومت مازندران از بار فروش و سایر نقاط حتی از طرف عموم امرا و سرکردگان و فدوی به سابقه از اطلاعات از شاهزادگان معظم و وساطتی که لطف علی خان مشهور به سردار جلیل برای انتخاب شاهزاده عظیم الشان نموده و پس از ورود آلت دست سردار مزبور خواهد شد و قهراً آتش فتنه و فساد را در سرتاسر مازندران مشتمل خواهد نمود تلگرافاً و کتباً به اولیاء دولت علیه عرض و استدعای انتخاب یک نفر حاکم قانونی با بصیرتی نموده و مقاصد این انتخاب را خاطر نشان کرده متأسفانه اظهارات دولت خواهی عموم علاقمندان مملکت و ملت و طرفداران نفوذ دولت در پیشگاه مبارک زمامداران ایران مؤثر تلقی نشده. جواب داده شد انتخاب شاهزاده معظم حسب الامر اعلیحضرت اقدس ارواحنا فداه بعمل آمده والی آخر. و اسف! با اینکه چوینان برای حفظ گوسفندان است و باید مأمور دولت تا حدی مورد اعتماد جمعیت باشد این حق مشروع از مازندران سلب شده. بهر حال حضرت اقدس والا شاهزاده اعتضادالسلطنه ورود فرموده مواعید اولیای امور به متظلمین به عکس نتیجه بخشیده از بدو ورود والی کنون آنچه کرده است بر خلاف قوانین و انتظامات عمومی بوده. محض استحضار خاطر محترم آقایان به عرض می رسانم:

۱- وجوهی است که از اهالی به انواع مختلف گرفته؛

۲- عهده دار شدن امور قضاوت؛

۳- حکم حمل ارزاق جو و باقلا؛ مقدار شش هزار خروار در عوض شش هزار تومان؛

۴- عملیات مفسده انگیز از اعزام مأمورین قزاق به حکم حکومت در اطراف؛

۵- اعمال غرض و تحریکات مؤید انقلاب با مأمورین معروف؛

۶- راپورت های عاری از حقیقت که تمام به تحریک سردار جلیل از پیش آمده های اخیر

مازندران به دولت داده؛ خادمین را خائن و متمرّد معرفی نموده؛

۷- قضیه قاتلین مرحوم اشرف الملک و سیف الله و شیخ رمضان و غیره و غیره که به ثمن

بخش از سردار جلیل با آن همه احکامات صادره از دولت مسکوت عنه گذشته حق

می دهند با این که علاقه داران به مملکت و دیانت به امر اعتقاد وجدانی الزام به جلوگیری از این بدبختیها نمی توانند مشاهده کنند که یک نفر از ابناء ملوک متسبب به سلطنت به نام حکومت دوامی به حقوق مادی و عرفی و اقتصادی ملت که ودایع الهی است بنیازد. ملت ایران امروز به وجود حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا افتخار دارند که حیات مملکت را از خطرات حتمی محفوظ داشته و چون نظریات حضرت اشرف معظم الیه به محیط مملکت و به وضعیات و اخلاق اشخاص بصیرت کامل دارد بی مناسبت نیست که از حضور محترم حجج الاسلام و آقایان نظام الملک و ملت و دولت تقاضا شود که قرار رسیدگی به عرایض مواد هفت گانه را به هر طریقی که مقتضی می دانند به اسرع اوقات از مقام منبع حضرت اشرف بخواهند و ضمناً متذکر می شود فدوی برای اینکه اطاعت خود را به دولت ثابت نمایم و مغرضین به اظهارات تقدیمی سوء تعبیر ندهند به ساری آمده و اطاعت خود را در مقابل اوامر و نظامات دولت متبوعه اعلام می دارم که بدانند اسمعیل سوادکوهی متمدن نیست و اول فداکار مملکت و دولت است. در خاتمه وصول خبر تألم آور را تصدیق می دهد شش نفر قزاق برای منازعه محصور بین رعایا و مالک که امر حقوقی است بقریه وسطی کلا که در حدود آمل است فرستاده رعایا به جنگل متواری شده عیال برادر کدخدا را مأمورین قزاق دستگیر شب توقیف... فردای آن روز یک نفر دختری را دست اندازی نموده، مادر دختر به حمایت دختر خود قیام کرده فریاد و شیون بلند شده زنها و مردهای فراری طاقت نیاورده برای خلاصی دختر بی اختیار شده قزاقها مادر دختر را با شوشکه مقتول و بنای شلیک را گذاشته از قرار مذکور یک نفر از قزاق در بین مقتول و یک نفر مجروح از محل متواری محض اطلاع عرض شد.

فدوی دولت خواه اسمعیل سوادکوهی امیرمؤید

(۲۰۴)

سواد نامه حکومت مازندران به امیرمؤید

۲۱ برج اوت ۱۲۹۶

نمره ۲۲۶

حکومت مازندران

جناب مستطاب اجل آقای امیرمؤید دام اقباله

البته مسبوق شده‌اید که امروزه از حیث عسرت و ضیق آذوقه به عموم اهالی تهران به چه قسم سخت می‌گذرد که آنآ و ثانیاً از طرف هیأت دولت امر تأکید به حمل برنج و آذوقه

می شود و علاوه بر فرداً افرادی مازندران از رئیس و مرئوس در یک همچو موقع باریک و خطرناک مستلزم است که بدون تأکید و با طیب نفس در فداکاری به نوع خود در رساندن برنج جدید نمایند متأسفانه چنانچه یک نفر هم برای انجام این امر خیر پیدا بشود که حتی المقدور کمکی کرده باشد دچار چندین قسم مشکلات می شود که از ایفاد حسن خدمت نسبت به نوع خود عاجز شود از قرار راپرت واصله مقدار برنجی که از طرف آقا حسن آقای تاجر تهرانی مقیم بارفروش و آقای رئیس مالیه و غیره حمل به تهران شده است بین راه قهارخان گماشته آقای سهم الممالک بارها را از حرکت مانع و توقف نموده است و از این سوء رفتار بی جهت مشارالیه نهایت دلتنگی را حاصل نموده این است که مأمور نمودم بیاید نزد جنابعالی مخصوصاً بفرستید فوراً آن کسی که مانع حمل برنج شده است با حضور مأمور تنبیه سختی نموده و قدغن اکید نمائید که به قوریت کلیه بارهای برنج را بار نموده حرکت نمایند قدغن نمائید من بعد به هیچ وجه در حمل عبور بار برنج در آن خط ممانعت نکنند زیرا که باید به ای تحوکان با هر وسیله که باشد آذوقه و برنج به تهران برسد یقین است از انجام این خبر عمومی ترمیم و امتنان خاطر مرا فراهم خواهید نمود.

محل مهر حکومت مازندران

(۲۰۵)

اتحاد نامه سرداران طبرستان با امیرمؤید

هو الله تعالی، نظر به این که مرکز هر قدر بر عوارض و تحمیل ملت از مالیات های مستقیم و غیر مستقیم افزوده شد باز در قبال خرج های کمر شکن غیر لازم که آن هم ضعف سیاست و فقدان نقل ناشی می شود همه ساله مبالغی کثیر و زمینه خالی دارند و مجبور هستند یک قسمت صمده از عایدات مهمه و شریان حیاتی مملکت را به اجانب وثیقه و رهن و با هزاران زحمت و مذلت استقراض و کسورات بودجه مملکتی را تکافو نمی کنند. نظر به این که مرکز در ازاء این قروض مملکت برپادده قدمی موفق به اصلاحات و انتظامات نشدند و روزبه روز هم بر وخامت اوضاع و تزلزل امنیت و انتظام وضعیت سیاست داخلی و خارجی مملکت بیافزایند و ملت نجیب ایران را مجبور می کند از احشاء مادر وطن و گوشت بدن اصحاب خود تغذی و سد جوع نماید و برای این که این وضعیات برای یک ملت زنده عار و غیر قابل تحمل می باشد علی الخصوص که اوضاع مرکز ساعت به ساعت تیره تر و

عشی سیاست مردود و مشکوکتر می شود و عناصر آزاد ملی آن به آن بیشتر در تحت تضييع و فشار و حقوق عمومی در حالت تهديد و اضمحلال می باشد و با این نقطه نظر چند سال است مرکز برای حفظ انتظامات طبرستان علاوه بر مالیات های محلی مبالغی هم دستی می دهد یعنی از همان وجوهی که به وسیله اسارت و رهیت ملک و ملت تحصیل می کند قسمتی هم به کام طبرستان می کشند بنابراین مقدمات و از نتیجه همین نظریات این طور تصمیم شد که بیش از این سرگردان و سرربار مرکز نباشیم و اگر برای ما ملت طبرستان فعلاً آن موقعیت ترفیق نباشد که به مرکز متبوع و سایر قطعات مملکت محبوب خود کمک و تخفیف بدبختی کنیم اقلأ سعی نمائیم در این بحران شدید خود را تحمیل مرکز و عضو مغلوب جامعه ملت قرار ندهیم و بر همه برادران و هموطنان عزیز حتی اجانب معرفی کنیم که ما نسبت به مادر وطن فرزندانمان نیستیم که یا ناموس مادر و قیمت خون پدر سد جوع و امرار حیات نمائیم این است ما امضاء کنندگان این ورقه در پیشگاه محکمه قضاوت الهی زانوی تضرع به زمین نهاده به تمام مقدمات عالم و به شرافت ناموس خود قسم یاد [کرده] عهد اتحاد می نمائیم از این تاریخ به بعد با کمال صمیمیت و موافقت مقصود مشروع به نام حفظ موقعیت و صیانت حرمت ملیت با اتفاق امنیت و انتظام داخلی طبرستان را با عوائد مستقیم و غیرمستقیم محلی خود عهده دار شویم و مرکز متبوع خود را در چنین کشمکش حیاتی موجود در بیچ تاب امروز از تحمیل مالی و تأمین انتظامات محلی اینجا آسوده نمائیم بدون این که اصل هیچ اختلاف و نظر تشتت آراء و مخالف یا موافق هیچ سیاستی شویم و یا از ملک و مرام هیچ فرقه ای تنقید و تمجید نمائیم باید به مرکز متبوع و برادران محلی خود مخایره و منظور و مرام خود را علنی گوشزد عموم نمائیم که هیچ سیاستی را تعقیب نمی کنیم مگر به نام حفظ موقعیت و صیانت خانه و کاشانه و عیال و اولاد خود وقتی که سیاست مرکز روشن و با اصولی که استقلال و اعتبارات مملکتی را اعاده و تأمین و اطمینان خواطر عمومی را جلب کند البته در آن حال طبرستان یک قطعه لاینفک مملکت عزیز و وطن محبوب ما ایران و طبرستانی با تمام معانی و مفهوم ملت و مطیع و رعیت فرمانبردار مرکز خواهد بود. چنانچه خدای تخواست هر یک از ما بخواهیم بر خلاف این مقصود مشروع عملاً، قولاً، قلماً، اقدام نمائیم تقصیر آن شخص در محکمه صالحه که از همین جمعیت تشکیل می شود ثابت شد آن شخص در حکم خائن وطن و مفسد اصلاحات داخلی طبرستان و به قانون شرع و عرف صدرر اعدام خواهد بود.

(۲۰۶)

لایحه‌ای خطاب به اهالی مازندران

آقایان محترم مقدمتاً عرض می‌کنم که مخاطب روی سخن من تنها به آقایانی که در اهل مازندران زائیده این آب و خاکند نیست بلکه آقایان محترمی که فرستاده مرکز و دارای مقامات رسمیه هستند و هر کدام به مراتب و به مقامات خود از این سرزمین تمتع و نعمت می‌برند نیز در این قضیه شریک مخاطب قرار می‌دهیم.

آقایان محترم و هموطنان عزیز من همه به خوبی از اوضاع مرکز مسبوقید و بهتر می‌دانید این دو سیاست بزرگ جنوبی و شمالی سیاست مرکزی به طوری مارا در کام کید و ثقلت کشیده سلامت او را خفیف و سقیم نموده که بدبختانه قادر به حفظ ایالات و ولایات دورو نزدیک خود نیست هر قدر عوارض تحمیل ملت از مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم می‌افزاید باز در مقابل خرج‌های کمر شکن غیر لازم که آن هم از ضعف سیاست و فقدان نیرو و حمیت ناشی می‌شود هر سال می‌آلنی کثیر محل و زمین خالی دارند و مجبور هستند که یک قسمت از عمل از منابع عایدات مهمه و شریان حیاتی مملکتی به اجانب وثیفه و رهن و با هزار زحمت و مذلت و استقراض و کسورات بودجه مملکتی تکافو و جبران نمایند.

آقایان محترم، باز اگر در هوض موفق به اصلاحات و انتظامات می‌شدند البته سهل و قابل تحمل بود و البته همه می‌دانید روز به روز وخامت اوضاع و تزلزل امنیت در انتظام وضعف سیاست داخلی و خارجی مملکت افزوده و ملت نجیب ایران را مجبور نمود که از احشاء مادر وطن و گوشت بدن به اعتصاب و تغذی سد جوع نماید.

آقایان محترم، البته همه تصدیق می‌کند این وضعیات از برای یک ملت زنده عار [و] غیر قابل تحمل است مع‌الخصوص که اوضاع ساعت به ساعت در مرکز تیره‌تر و مثنی سیاست مردود و مشکوک می‌شود و عناصر آزاد ملی آن به آن زیادتر در تحت تفسیق فشار عمومی در شرف تهدید و اضمحلال می‌آیند.

آقایان محترم، در نتیجه این بدبختی‌ها و تاریکی افق سیاست و ظلم دائره بحران فترت عقیده ندارم که بیش از این سرگردان و سرباز مرگ باشیم، این طور اظهار عقیده می‌کنم که به مدلول «مالایدرک کله لایترک کله» اگر امروز از برای ما ملت طبرستان آن موفقیت و توفیق نباشد که به مرکز متبوع و سایر قطعات مملکت مجبور خود کمک و تخفیف بدبختی کنیم اقلأ سعی و مجاهدت نمائیم که در این بحران شدید خود را تحمیل مرکز و عضو مفلوج جامعه ملیت قرار ندهیم.

آقایان محترم، همه می‌دانید که چند سال است مرکز برای حفظ انتظامات طبرستان علاوه بر عایدات محلی مبلغی هم دستی می‌دهد یعنی از همان وجوهی که به وسیله اسارت و رهنیت ملک ملت تحصیل می‌کنند قسمتی هم به کام طبرستان می‌کنند.

آقایان عزیز، بنابراین مقدمات از شما آقایان محترم و هموطنان محسوب خود توقع و انتظار دارم که در این عقیدت و تصمیم با من شرکت و موافقت نمایند که خود را به همه برادران و هموطنان عزیز و حتی اجانب معرفی نمایند که نسبت به مادر وطن فرزندانسی نیستیم که با ناموس مادر و خون پدر شد جوع نموده و امرار حیات کنیم.

آقایان محترم، به اهتمام حفظ موقعیت و صیانت حرمت ملیت بایستی غیرت و حمیت که امنیت انتظام داخلی طبرستان را با هواید مستقیم و غیرمستقیم عهده‌دار شویم و مرکز متبوع خود را در چنین کشمکش حیاتی و جزرومد پرییج امروز که از تحمیل مالی و تأمین انتظامات محلی اینجا آسوده نمائیم. چون این که داخل هیچ اختلاف نظر و تشتت آراء و مخالفت و موافق هیچ سیاستی بشویم، با از مسلک و مرام هیچ فرقه تنقید و تمجید نمائیم و باید به مرکز متبوع و برادران محلی مخابره و منظور و مرام خود را هلنی گوشزد هموم نمائیم که هیچ سیاستی را تعقیب نمی‌کنیم مگر به نام حفظ موقعیت و صیانت خانه و کاشانه و هبال و اولاد خود را تا وقتی که سیاست مرکز روشن و با اصولی که استقلال و اعتبارات مملکت را داده و تأمین اطمینان خاطر هموم را جلب کنند و البته در آن حال طبرستان یک قطعه لاینفک مملکت عزیز وطن محبوب ما ایران و طبرستانی با تمام معانی و مفهوم ملیت مطیع رعیت فرمانبردار مرکز خواهد بود.

آقایان محترم و هموطنان عزیز من این است عقیده و نظریات که عرض نمودم اگر آقایان محترم طریقه و عقیده دیگری که اقرب صلح و به خیر و سلامت عموم باشد در نظر دارند بفرمایند تا همان‌رویه را تعقیب نمائیم والا در عالم قومیت و برادری و مقامات نوعیت امیدوارم و این نظریه و عقیده وطن‌پرستانه که مستلزم حفظ نوعیت طبرستان و موجب آسایش عمومی متضمن ایفاء وظایف قومیت، ملیت، و اسلامیت است حسن تلقی و در این مجاهدت یا من شرکت و موافقت و اجازه فرمائید با توافق نظر و مدد فکری یکدیگر دستور تشکیلات و پروگرام انتظامات این مقصود مکتوب از همان قرار شروع به اصلاحات شود.

(۲۰۷)

تلگراف امیرمؤید به طبرستانی های مقیم مرکز

توسط جنابان آقا سید احمد ارائی و آقایان شریعت‌زادگان و حاج سید هادی و آقاشیخ محمد علی نوری و حاجی ملک آملی و متخبط‌الممالک به عموم برادران طبرستانی مقیم مرکز دام بقائهم

از حالت رقت خیز مملکت دچار هزاران مشکلات مهلک گردیده چاره منحصر به اتفاق عمومی است منظوری جز خدمت به دولت علیه و اجرای قوانین موضوعه و جلوگیری از تعدیات ندارد. اهالی مازندران با یک اتحاد صمیمی به نام اتحاد ملی طبرستان اتفاق، مبدا مفسدین القاء شبهه به اولیاء امور بنمایند.

(۲۰۸)

سواد تلگراف شریف‌العلماء به امیرمؤید، سردار جلیل و سردار ارفع^۱

حضوری (از) استرآباد به ساری
حضور حضرت آقای امیرمؤید و آقای سردار جلیل و آقای سردار ارفع دامت شوکتهم؛ بعد از تقدیم عرض سلام آن که انتظار داشتم در تلگرافخانه اغلب حضور بهم رسانیده و اینجانبان را احضار کنید از کیفیت دستور یوماً فیوماً مستحضر شوید از امورات خودتان ما را مطلع سازید چند روز توقف، آنی نتموده و راحت بوده ایم. جلسات عدیده تشکیل شد سه چهار روز قبل هیئت تأسیس شد روز قبل هم جلسه منعقد هیئت ریسه انتخاب صورت تلگرافی از طرف هیئت اتحادیه استرآباد حاضر شده است که باحضور آن جماعتی که برحسب تقاضای اهالی از تلگرافخانه تهران حاضر شده بودند به هیئت دولت مخابره شود تفصیل به تلگراف ممکن نیست عرض شود فقط چیزی که فعلاً اسباب گرفتاری شده ممکن است به القاء مفسدین تولید نفاقی کنند همانا مسئله اختلاف اسم هیئت اتحاد اسلام^۲ و ملی است خوب بود که در این موقع جناب ملاذالاسلام آقا شیخ محمد حسن^۳ نماینده جنگل تشریف دارند این اختلاف... را هم مرتفع فرمایید به این مسئله سطحی ملاحظه فرمایید

۱. سردار ارفع.

۲. درباره هیئت اتحاد اسلام در شمال ایران از جمله رشت به کتاب «سردار جنگل» میرفخرایی.

۳. شیخ محمد حسن...

خیلی قابل توجه است چنانچه زمان حرکت حضوراً عرض کرده بودم باید این اختلاف را برداشت از طرف هیئت که اختیار نامه داده شده بود ولی براین نکته ایرادی نکتند. مجدداً به عرض میرسانم.

شریف‌العلماء ۲۰ برج ثور ۱۳۳۶

(۲۰۹)

سواد تلگراف امیر نوری نظام‌السلطان به امیر مؤید

۲۸ شعبان ۱۳۳۶

فدایت شوم، رفیقه شریفه که مبشر بر سلامتی وجود محترم بود زیارت و از سلامتی وجود جنابعالی نهایت خرسندی حاصل و موفقیت جنابعالی در انجام امور اجتماعی اهالی مستمیده آن سرزمین از خداوند خواهاتم و چیزی را که لازم میدانم اعم از این که مکرر هم شده در مشروحه خود ذکر نمایم جلب موافقت دیگر کل ایران است. البته خوب دانسته اید این بار بزرگی را که به دوش کشیده و باید به منزل برسانید اول وسیله و سبب میل مقصود مهم مقدس از خود گذشتن و بردباری در مقابل شدائد و قبول طعنه تیر آوران و از میدان مبارزات بیرون رفتن است. الحمدلله حضرت محترم عالی در کتف تجربیات و امتحاناتی که نسبت به اخلاق اجتماعی ایران تحصیل نموده اید مبراً از این گونه نوشتجات است مخصوصاً از چیزهایی که خیلی مؤثر قدردانی وجود اشخاص خدمتگزار و وطن پرست است که وسیله امیدواری عموم خیرخواهان ملت و اسباب یأس مفسدین و مخالفین مملکت است منجمله در این موقع که جناب مستطاب اجل آقای مستعان‌الملک حاضر برای هرگونه خدمت و فداکاری هستند و در موافقت جنابعالی بر می برند و در واقع نتیجه حاصله از انقلابات سیاسی و چکیده آزادیخواهی هستند که عناصر فاسد هم نمی توانند در موافقت ایشان کتمان کنند. حضرت مستطاب عالی غفلت نورزیده از وجود ایشان نتیجه مطلوبه را حاصل خواهید نمود و البته سایر امراء عظام هم از این تذکر بنده غفلت نخواهند نمود.

امیر نوری نظام‌السلطان

(۲۱۰)

سواد تلگراف عدل الملک (وزیر داخله) به امیرمؤید

از تهران به ساری

نمره تلگراف ۳۰

جناب مستطاب اجل اکرم آقای امیرمؤید دام اقباله

با مواعید مصرحه جنابعالی در حمل برنج به مرکز در این چند روزه غیر از مقدار قلیلی برنج به مرکز نرسیده و وحشت فوق العاده در قلوب مردم جا کرده مخاطرات مرکز به فقر متوجه و تلفات فقرا در معابر مناظر وحشتناکی تشکیل و مسلماً وجدان جنابعالی به این حال اسف آور راضی نشده و گذشته از تکالیف رسمی یک نوع جدیت و اهتمام فوق العاده در حمل برنج به مرکز صدول و بلکه شخصاً مراقبت خواهید نمود که فی الفور یک مقدار معتنا به برنج به مرکز حمل و به این وسیله تا موقع بدست آمدن محصول از کثرت تلفات جلوگیری و ضمن مراقبت جنابعالی تسکین در قلوب اهالی فراهم و نتیجه را فی الفور اعلام دارید.

۲۹ رجب نمره ۱۱۰۹ وزارت داخله

عدل الملک

محل مهر تلگرافخانه

(۲۱۱)

تلگراف لاسن^۱ به استار سلسکی

نمره کتاب..... نشان شیرو خورشید و ناچ
اداره تلگرافی دولت علیه ایران
۱۳۳۶ سته اسم گیرنده
از ساری نمره فیسی عدد کلمات تاریخ اصل توضیحات تاریخ وصول
به تهران نمره تلگراف حضوری شب ۲۱

جناب سردار استار سلسکی راجع به بالشویکها اتفاق تازه رخ نداده چندین مرتبه امروز پسرهای امیرمؤید از علماء ساری و بارفروش جهت اصلاحات فوری کار خودشان نزد این جانب فرستاده اند و اظهار داشته اند چنانچه به فوریت مذاکرات آنها با دولت بطور قطعی خاتمه پیدا کند فوری شروع به جنگ با بالشویکها خواهند کرد و امروز با عده [ای] فزاق که

۱. استار سلسکی فرمانده دیرپهون فزاق در ایام پس از عزل کلرزه، و ایجاد مقدمات کودتای انگلیسی سوم اسعد ۱۳۹۹ توسط ژنرال آیرونساید، مشارالیه این سمت را داشت. سپس به اجبار ژنرال آیرونساید و سیاست متبعش برکنار گردید و توسط قوای انگلیسی دستگیر و به بغداد فرستاده شد.

از فیروزکوه حرکت کرده‌اند رابطه پیدا کرده‌ام و الساعه بتوسط تلفن با حکومت استرآباد در بندرجز صحبت کردم و اظهار داشتند که پنج کشتی به بندرجز وارد شده اند ولی هنوز شروع به اقدامات نکرده اند.

لاسن

(۲۱۲)

تلگراف کاپیتان کوکوبریدزه به قزاقخانه

نشان شیر و خورشید و تاج

نمونه نمره ۱۶

نمره کتاب

سنه ۱۳۳۶

اداره ننگرانی دولت علیه ایران

اسم گیرنده

تاریخ وصول

توضیحات

تاریخ اصل

عدد کلمات

نمره قبض

به

نمره تلگراف

قزاقخانه فوری اطلاع دهد، پالکونیک استار سلسکی و... که روز دوم ایول بارفروش را تخلیه نموده‌اند جلوتر همه اوانگارد کاپیتان ویکملوف^۱ حرکت نموده بود سیزده نفر از آنها اسیر نموده اند دوتفر آنها روس هستند قدری هم اسلحه گرفته شده شش نفر قزاق زخمی شده آتریاد به هم ملحق شده‌اند. محض اطلاع عرض شد.

کاپیتان کوکوبریدزه^۲

(۲۱۳)

سواد تلگراف خان باباخان به حاکم مازندران توسط امیرمؤید

از بار فروش به ساری

مورخ ۲۶ ثور ۱۳۳۶

توسط خدایگان امیرمؤید

ریاست مازندران در موقع هیجان ملی راجع به قلت ارزاق چندین بار جو توسط عده ژاندارم طرف آمل حرکت می کرده چند نفر اهل شهر مانع ژاندارم [شدند]. آنها را دستگیر [نموده]. عموماً به هیجان آمده ژاندارم در شهر ریخته بنای شلیک را نموده‌اند. تمام شهر

۱. لفظ فرانسوی است به معنای پیشتر و پیش‌آهنگ. ۲. کاپیتان ویکملوف.

۳. کاپیتان کوکوبریدزه.

تعطیل به تلگرافخانه متحصن شده. مطالب ساری راجع شد. انقلاب در جریان چاکر برای اسکات آنها حاضر تکلیف فوری.

خان باباخان

محل مهر تلگرافخانه بارفروش

(۲۱۴)

سواد تلگراف نجفقلی خان صمصام السلطنه به امیر مؤید

تلگراف ۲۶ ثور ۱۳۳۶

نمره ۹۹

از تهران به ساری

آقای امیر مؤید

اوضاع مرکز به واسطه فحطی و عسرت آذوقه فوق العاده جالب اهمیت و امر به وسیله اهتمام و جدیت امثال شما اشخاص غیر تمند یک مقدار معتابیهی برنج به مرکز حمل شود و کاربرد اهالی سخت و مخاطرات مرکز به هلاکت نزدیک. مسئولیت شما و دسترسی به حمل برنج دارید. خاصه این موقع زمامداری من در امروز رساندن آذوقه بیشتر محل انتظار و مخصوصاً از شما می خواهم که در اجرای این نیت که کمتر نتیجه آن حفظ اهالی مرکز از فلاکت است. باید یک مقدار کافی برنج که تا یک درجه آذوقه اهالی را تأمین کنید و مرا ممنون و خودتان را روسفید و نتیجه اقدامات را روز اطلاع بدهید.

۳ شعبان نمره ۱۱۶۳

نجفقلی خان بختیاری

(۲۱۵)

سواد تلگراف خلیل سوادکوهی و شریف العلماء

به هیأت اتحاد اسلام شعبه ساری

قبض ۱۱۱۰

۲۶ ثور ۱۳۳۶

از استرآباد به ساری

مقام محترم هیأت اتحاد ملی طبرستان دام بقائهم

چون اهالی استرآباد از حیث آذوقه در عسرت هستند مقرر فرمائید از طرف هیأت تلگرافی به هیأت اتحاد اسلام رشت توسط صراف علی حسن راتب که در انزلی هست مخابره و درخواست یک هزار کیسه برنج بشود اهالی آسوده شوند.

خلیل سوادکوهی، شریف العلماء

محل مهر تلگرافخانه

(۲۱۶)

مکتوب شیخ علی اکبر طبری به معین الرعایا

نشان هیئت اتحاد ملی

هیئت اتحاد ملی طبرستان

نمره ۶۷

به تاریخ ۹ شهر شعبان ۱۳۳۶

جناب آقای معین الرعایا زید اجلاله

از آنجائیکه جنابعالی واقف به محیط و مقتضیات بارفروش و عازم بدانجا هستید از طرف هیئت محترم اتحاد طبرستان مرکزی (ساری) برای تشکیل شعبه هیئت در بارفروش از طرف هیئت مبعوث نمایندگی معین شده که پس از ورود به بارفروش بدون تفویض وقت از آقایان محترم و افراد صالحه وطن خواه از علماء و تجار و اصناف و فرقه محترم دموکرات و غیرهم دعوت نموده باکثرت آن هیئت چنانچه دوازده نفر از افراد صالح جهت اجراء هیئت محترم اتحادیه بارفروش تعیین و تشکیل نمایند و این عده دوازده نفری به نام هیئت اتحادیه طبرستان معرفی شود که انشاءالله ماعی جمیله را بکار برده و اساس انتظام عمومی را حاصل و بزودی حسن نتیجه ای که مرام و مقصود هیئت اتحادیه مرکزی طبرستان در آن است اعلام دارید.

[رقم امضاء] الاقل علی اکبر ابن... ساری

[رقم مهر] هیئت اتحاد ملی طبرستان

(۲۱۷)

سواد تلگراف تبریک جمعی از رؤسای مازندران
به رئیس الوزراء نجفقلی خان صمصام السلطنه

تهران

توسط جناب مستطاب اجل آقای نظام السلطان دام اقباله
مقام متبع بندگان حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت عظمته، زمامداری حضرت
اشرف را که بهترین علائم امیدواری و اطمینان ملت ایران و تحصیل مقاصد مقدسه است
صمیمانه تبریک تقدیم نموده و با انتظاری که از حسن نیات آن وجود مبارک در موقع نواقص
امور و تصفیه خرابی های ایران برپا ده حاصل است مازندران را به یک آتیه درخشان
امیدوار نموده اطمینان می دهد که توجهات عالی تمام مفاصد را اصلاح و به توجهات
آسایش عمومی فراهم شود.
امیرمؤید، سردار جلیل، سردار رفیع، هژیرالدوله، شجاع لشکر، سالار انجمن، حارم النظام، علاء النظام،
اعتماد نظام، سهم الممالک، هژیر السلطان.
سواد مطابق اصل است.

(۲۱۸)

سواد تلگراف وزارت داخله به امیرمؤید

تلگراف نمره ۴۷۲
سنه ۱۳۳۶

از تهران به ساری
دولتی نمره ۴۲

جناب مستطاب اجل آقای امیرمؤید دام اقباله
برحسب امر قدر قدرت جهان مطاع اقدس ملوکانه ارواحنا فداء و تصویب هیأت دولت
حکومت مازندران به عهده کفایت جناب مستطاب اجل آقای ذکاءالدوله که از اشخاص
کافی و طرف اعتماد دولت و ملت است واگذار و همین چند روزه با تعلیمات لازمه عزیمت
به محل حکمرانی خواهند نمود. مخصوصاً خواطر جنابعالی از حسن انتخاب ... و انتظار
همه قسم همراهی و موافقت را دارم.

۸ شعبان

نمره ۱۲۷۷ وزارت داخله

محل مهر تلگرافخانه

(۲۱۹)

سواد یک تلگراف به امیرمؤید و...

سواد تلگراف

نمره ۲۳۹۸

فیض ۲۰۱

از تهران به ساری

تاریخ ۲۱ ثور ۱۳۳۶

جناب مستطاب اجل آقای امیرمؤید دام اقباله

کپی جناب مستطاب اجل سردار جلیل، کپی هیأت اتحاد ملی دام اقباله، نهضت خیر
آیت سبب تعیین جناب مستطاب اجل امجد آقای ذکاءالدوله به حکومت شد موافق مرام
هیأت محترم در علم و نیکی اخلاق بهترین اشخاص عصراند مقدم ایشان مغتنم شمرده به
مراحم ایشان هیأت اصلاح امور بفرمایند.

امضاء

محل مهر تلگرافخانه

(۲۲۰)

معاهده سیاسی، نظامی نمایندگی امپراطوری اطریش

و هنگری با محمد اسماعیل خان امیرمؤید

به نام خداوند توانا و رحیم

حضرت مستطاب رئیس ایالت مازندران و ملت مازندرانی فرمانده کل تمام قوای ملی
ایالت مازندران آقای امیرمؤید (اسماعیل خان) و آقای ادموند کوپ فیروزلز نایب اول
اعلیحضرت شاهنشاهی سلطنت امپراطوری اطریش و هنگری از آن دیپلوماسی مختار تام
دولت شاهنشاهی سلطنت سفارت شاهنشاهی سلطنت اطریش و هنگری در ایران با
احساسات صمیمانه و اشتیاق به فوائد مشترکه به معاهده و اتفاق و شرکت در اتحاد نظامی
پلتیکی راجع بر علیه کلیه دشمن های ایالت و ملت مازندران و اطریش و هنگری و

متحدینش متقاعد و متحد هستند.

آقای دکتر حسن خان^۱ پسر میرزا زین العابدین، دکتر در طب، صاحب دیپلم و دارای نشان علمی افتخاری از طرف حضرت مستطاب آقای امیرمؤید به عضو پلیکی مختار تام معین گردیدند و برای مذاکرات منتخب خواهند بود.

آقای ادموند کوپ فیروزلر به واسطه و رسمیت ایشان به اسم آژان دیپلوماسی دولت شاهنشاهی و سلطنت اطریش و هنگری در معاهده فوق شرکت خواهند داشت.

متحدین فوق در شهر بارفروش اتحاد نموده (محل توقف کنونی حضرت مستطاب آقای امیرمؤید) پس از آن که رسمیت خود را به همدیگر ارائه داده‌اند و متقاعد به اختیارات تام همدیگر گردیدند مواد معاهده ذیل را متقاعد گردیدند.

ماده اول - متحدین فوق متقاعد گردیدند که برحسب میل به یک شرکت نیکی اتحاد نیکو و با ثبات عقیده ائتلاف نمایند.

ماده دوم - طرفین مجبورند اختیاراً در مقابل دشمن های مشترکه خود در موقع احتیاج به همدیگر کمک نمایند.

ماده سیم - طرفین متعاهدتین مجبورند که در تمام مواد پلیکی نظامی راجع بر علیه دشمن های مشترکه خود توأماً و مشترکاً قیام نمایند، اما این ماده در مواقع پلیکی راجع به ترتیبات داخلی مستثنی خواهد بود و اختیارات آن مربوط به ترتیبات داخله و آقای امیرمؤید خواهد بود.

ماده چهارم - حضرت مستطاب آقای امیرمؤید مجبور است که اجازه ورود و خروج و گردش و زندگانی کلیه اشخاص و افراد اطریش و هنگری و متحدینش را در ایالت مازندران داده و آزاد دارد و حتی الامکان از آنها حمایت نماید، به همین ترتیب کلیه اشخاص و افراد مازندران از برای دوران و گردش و عبور و زندگانی در مملکت اطریش و هنگری و متحدینش آزاد خواهند بود و سفارت شاهنشاهی و سلطنتی اطریش و هنگری تهران برحسب درخواست حضرت مستطاب آقای امیرمؤید ورقة اجازه عبور را خواهد داد، اما در موقعی که یکی از افراد اطریش و هنگری و متحدینش در مستطقه مازندران یا از افراد مازندرانی در یکی از مناطق طرف مقابل بر خلاف قواعد ملی رفتار نمایند از کلیه مراعات و ملاحظات محروم خواهند بود.

ماده پنجم - حضرت مستطاب آقای امیرمؤید کلیتاً به خیالات راجع به وارد کردن

دستجات اطیش و هنگری و مونی سیون در مازندران همراه خواهد بود (عبارت از محبوسین جنگی قدیم ترکستان است) در صورتی که آن دستجات و مونی سیون بر علیه دشمن های مشترکه استعمال شود.

ماده ششم - عده دستجات اطیش هنگری که از ترکستان به مازندران گسیل میشوند محدود بوده اعزام آنها همیشه مربوط و منوط به لزومیت و از نقطه نظر اکونومی خواهد بود دخول دستجات و تعداد آنها در مواقع مختلفه منوط به اجازه مخصوص حضرت مستطاب آقای امیرمؤید است بر حسب لزوم کنونی دستجات اطیش و هنگری یک ماه بعد از امضاء این معاهده هزار نفر سرباز با داشتن صاحب منصب و اسلحه و مونی سیون لازمه به مازندران گسیل خواهند شد. حضرت مستطاب آقای امیرمؤید بیست و چهار ساعت بعد از امضاء این معاهده اجازه اعزام آنها را خواهند فرمود.

ماده هفتم - دستجات اطیش و هنگری که وارد مازندران می شوند باید دارای اسلحه و مونی سیون باشند.

ماده هشتم - نظر به فقدان اسلحه و مونی سیون در ایالت مازندران آزان دیپلوماسی نظامی مختار تام دولت شاهنشاهی سلطنتی اطیش هنگری مجبور است که اسلحه و مونی سیون در مازندران وارد نموده به حضرت مستطاب آقای امیرمؤید تقدیم نماید به قسمی که در هر دفعه دستجات اطیش و هنگری که وارد ایالت مازندران می شوند اقلایه طور مضاعف اسلحه و مونی سیون با خود وارد نمایند و هر یک سرباز شاهنشاهی و سلطنتی اطیش و هنگری در موقع تقسیم و تقدیم اسلحه برای خود یک اسلحه و مونی سیون لازم را نگاه داشته بقیه آن را برای تجهیز قوای ملی ایالتی به کار برده که برای کلیه دشمن های طرفین متعاهدین فوق استعمال شود. اسلحه و مونی سیون که به حضرت مستطاب آقای امیرمؤید تقدیم می شود باید بر طبق اسلوب و تقسیمات معینه قواعد ذیل متقسم شود:

- مسلح شدن گاردها ملی مازندران که غیر مسلح هستند.

- مسلح کردن گاردهای ملی مازندران که از اسلحه های میستم قدیم مسلح هستند (کلیه سلاح ناقص و بد آنها در دارالصنایع اسلحه سازی شاهنشاهی سلطنتی اطیش هنگری مرمت شده برای قوای ملی ثاتوی مازندران به کار برده شود).

- در صورت لزوم بقیه سلاح برای تجهیزات آن عده ای خواهد بود که به میل وارد خدمت شده یا در موقع لزوم در تحت اجباریت داخل خدمت می شوند.

- زیادی سلاح و مونی سیون به طور ذخیره در ایالت مازندران خواهد بود که در موقع احتیاج استعمال شود.

ماده دهم - طرفین متعاهدتین متعهد و متحدند که قوای ملی مازندران را از برای رسیدن به مقصود خورد تعلیمات نظامی لازمه را داده و برای این پیشرفت آژان دیپلوماسی نظامی دولت شاهنشاهی سلطنتی اطریش و هنگری برای تعلیمات قوای ملی مازندران حاضر شده و نیز صاحب منصب جای کل و جزء قشونی شاهنشاهی سلطنتی اطریش و هنگری را به سمت معلمی برای قوای ملی مازندران گیل خواهد داشت. البته حضرت مستطاب آقای امیرمؤید هم خواهد پذیرفت. بدیهی است که صاحب منصب‌های جزء و کل سابق الذکر برای تعلیم معین شده و به غیر از تعلیم حق دخالت در هیچ یک از مشاغل و پلیتک نخواهند داشت، فرماندهی کل قوای ملی مازندران به عهده حضرت مستطاب آقای امیرمؤید یا یکی از نماینده‌های آنها خواهد بود.

ماده یازدهم - دستجات اطریش و هنگری و قوای ملی ایالت مازندران مجموعاً در تحت فرماندهی حضرت مستطاب آقای امیرمؤید خواهد بود اما فرماندهی خصوصی دستجات اطریش و هنگری راجع به آژان دیپلوماسی نظامی مختار تام دولت شاهنشاهی یا یکی از نماینده‌های آن خواهد بود که بر طبق ماده سیم این معاهده مقصد دیگری جز موافقت و اتحاد با حضرت مستطاب آقای امیرمؤید نخواهند داشت و ایشان هم برای کلیه عملیات نظامی باید متقاعد به مشورت و شور با آژان دیپلوماسی دولت شاهنشاهی سلطنتی باشند. ماده دوازدهم - صاحب منصب‌های گارد ملی مازندران و صاحب منصب‌های قشون شاهنشاهی سلطنتی اطریش و هنگری توأمأ تشکیل اتامازور مختلطی خواهند داد که با حضرت مستطاب آقای امیرمؤید و آژان دیپلوماسی مختار تام آژان شاهنشاهی سلطنتی نظامی اطریش و هنگری موافقت داشته و مواظب در اخلاق و تعلیمات قوای ملی مازندران و دستجات اطریش و هنگری کرده، برای تشکیلات و تنظیمات مانور نظامی و در موقع جنگ همیشه موافقت با حضرت مستطاب آقای امیرمؤید و آژان دیپلوماسی مختار تام دولت شاهنشاهی سلطنتی اطریش هنگری نمایند.

ماده سیزدهم - حضرت مستطاب آقای امیرمؤید اطمینان می‌دهد که دستجات اطریش و هنگری که بر حسب اجازه خود ایشان وارد ایالت مازندران می‌شوند تغذیه خواهند شد نیز حضرت مستطاب آقای امیرمؤید متعهدند که دقت و اقیه در تهیه اغذیه و تسریع در تهیه آن و مختلف بودن اقسام آن اغذیه نمایند و آژان دیپلوماسی نظامی مختار تام دولت شاهنشاهی اطریش پروگرام اصولی اغذیه را معین خواهد کرد.

ماده چهاردهم - مخارج اغذیه دستجات اطریش و هنگری دو قسمت شده یک ثلث آن $\frac{1}{3}$ ۳۳ درصد به عهده ایالت مازندران و دو ثلث آن $\frac{2}{3}$ ۶۶ به عهده دولت شاهنشاهی سلطنتی

اطریش و هنگری خواهد بود.

ماده پانزدهم - در موقع احتیاج ایالت مازندران اعتبار در پرداخت دو ثلث اغذیه سابق الذکر را از پیش شکل قرض خواهد داد.

ماده شانزدهم - مخارج های دیگر از قبیل مواجب و حقوق به هیچ وجه مربوط به ایالت مازندران نخواهد بود.

ماده هفدهم - برای مسکن و محل توقف و کرایه آن بر طبق صورت معمولی قشون دولت اطریش و هنگری پرداخته خواهد شد.

ماده هیجدهم - از برای تسهیل اداره کردن دستجات اطریش و هنگری در مازندران و برای آن که وضعیت میثوم و زحمت آوری رخ نداده باشد (اخلاقاً) حضرت مستطاب آقای امیرمؤید با نجبای ایالت مجبورند که در موقع احتیاج قرض جنگی نظامی و ضروری قرض داده و با خیالات دستجات همراه بوده و به آنها اخلاقاً و ماداً از حیث قرض کمک نمایند قرارداد فوق از ابتدای امضاء این ورقه تا در تمام مدتی که این مشروحه دارای اعتبار است بر قرار خواهد بود.

ماده نوزدهم - قرض دادن و دریافت وجه باید توسط اشخاص هایی (کذا) مجری شود که دارای رسمیت و مجاز باشند، قبض و رسید باید به امضاء آژان دیپلوماسی مختار تام دولت اطریش و هنگری یا وزیر دیپلوماسی مختار تام اطریش هنگری مقیم تهران باشد.

ماده بیستم - مخارجات پیش از یک ثلث که وظیفه و حق ایالت مازندران است یا تعلق به خود حضرت مستطاب آقای امیرمؤید می گیرد یا مخارجات دیگر که به شکل قرض گرفته می شود هر سه ماه بطور منظم از طرف دولت شاهنشاهی و سلطنتی اطریش و هنگری پرداخته می شود.

ماده بیست و یکم - در ازاء این تقدیه به اسم حق شناسی و مساعدت یک قسمت از این مخارج و قرض به عوض وجه اسلحه و مونیسیون پرداخته خواهد شد (قیمت آن هم باید بر طبق قیمت معمولی فابریک باشد).

ماده بیست و دوم - تشکیلات و ترکیب دستجات اطریش و هنگری شبیه به دستجات کوهی قشون دولت شاهنشاهی و سلطنتی خواهد بود.

ماده بیست و سیم - اولین دستجات که عده آن هزار نفر است مرکب از تقسیمات ذیل خواهد بود:

- چهار قسمت پیاده، سوار هر قسمت ۲۰۰ نفر ۸۰۰ نفر

- دو قسمت مترالبوزدار هر قسمت عبارت از ۲ مترالبوز = جمعاً ۴ مترالبوز ۴۰ نفر

- ۴۰ نفر - یک قسمت توپخانه کوهی (دوتوپ)
- ۵۰ نفر - یک قسمت سوار کار
- ۳۰ نفر - یک قسمت فنی
- ۴۰ نفر - یکی قسمت صحیه و برای تشکیلات و اداره کردن دستجات
- ۱۰۰۰ نفر

تقسیمات فوق مساوی با یک باطالیون کوهستانی عسکری دولت شاهنشاهی اطریش و هنگری است.

عده صاحب منصب‌های باطالیون فوق الذکر از قرار ذیل خواهد بود:

- ۱ نفر - یک نفر رئیس باطالیون
- ۱ نفر - یک نفر آجودان رئیس باطالیون
- ۴ نفر - چهار نفر رئیس قسمت‌های پیاده
- شازده نفر برای قسمت‌های پیاده (برای هر قسمت ۲۰۰ نفره ۴ نفر رئیس معین شده)
- ۱۶ نفر - یک نفر رئیس برای توپخانه
- ۱ نفر - دو نفر رئیس برای قسمت‌های مترالیوزها
- ۲ نفر - یک نفر رئیس قسمت سواره
- ۱ نفر - یک نفر رئیس قسمت فنی
- ۱ نفر - یک نفر رئیس صحیه (طیب صحیه)
- ۱ نفر - یک نفر ناظر نظامی
- ۳ نفر - سه نفر صاحب منصب آتا مازور

۳۲ نفر

ماده بیست و چهارم - عموماً دستجات اطریش و هنگری از بندر مشهد سر وارد خواهند شد ولی در مواقع لزوم می‌توانند به توسط بنادر دیگر خواه مازندران، خواه استرآباد وارد شوند.

ماده بیست و پنجم - طرفین متعاهدتین متقاعدند که برحسب لزوم یا برای پیشرفت مقصود خود در سایر نواحی دیگر که خارج از مازندران باشد از قبیل خراسان یا استرآباد سوق عسکر دهند.

ماده بیست و ششم - برای اطمینان دستجات اطریش و هنگری و برای جلوگیری شایعات و پروپاگاندای خارجه توقف کلیه خارجه‌های مظنون در مازندران ممنوع